



گزارش اختصاصی خبرنگار پنجره ایرانیان از کارگاه‌های کوچک در و پنجره ساز

تریون آزاد در خیابان قلعه مرغی

محمد دانشور

اشاره:

در صنعت در و پنجره یو.پی.وی.سی آنچه بیش از همه نظر را به خود جلب می‌کند، برندهای پرآوازه شرکت‌های بازرگانی بین‌المللی و کارگاه‌های بزرگ و مشهور در و پنجره‌ساز است. بدون تردید این‌ها بخش تاثیرگذار این صنعت هستند، اما همه بدنه آن را تشکیل نمی‌دهند. در کنار سرمایه‌های هنگفتی که در چنین شرکت‌هایی در جریان است، هستند کارگاه‌هایی که با سرمایه‌ای اندک راه‌اندازی شده و در حال فعالیت می‌باشند. کم نیستند افرادی که زندگی خود را از همین کارگاه‌های کوچک و با دستگاه‌هایی ارزان‌قیمت می‌گذرانند. با وجود این، شاید کمتر درباره آنها شنیده یا خوانده باشیم؛ و آنچنان که به نظر می‌رسد، تاکنون کسی به سراغ آنها نرفته و از حال آنها جويا نشده، و اصولاً مرجع و ماوایی نیز برای رجوع این صنعتگران وجود ندارد. افزون بر این که آگاهی از شرایط حاکم برای این بخش و رسیدگی به مشکلات آنان از وظایف دستگاه‌های ذی‌ربط بوده و باید دغدغه دلسوزان این صنعت باشد، ساماندهی و ارتقای وضعیت صنعت در و پنجره‌سازی نیز بدون در نظر گرفتن این بخش و تحت پوشش‌های حمایتی، نظارتی و صنفی قرار دادن آنها میسر نخواهد بود. از این منظر، پنجره ایرانیان تصمیم گرفت به متن بازار در پنجره‌سازی برود و از نزدیک شاهد گوشه‌ای از وضعیت حاکم بر آن باشد. آنچه در ادامه می‌خوانید گزارش اختصاصی خبرنگار پنجره ایرانیان، از یکی از مراکز تجمع چنین کارگاه‌هایی، یعنی خیابان قلعه مرغی است. خبرنگار ما یک روز را در میان "اوستا کارهای" خیابان قلعه مرغی گذراند و تلاش کرد تنها گوشه‌ای از وضعیت آنجا را برای شما به تصویر کشد:

پنجره‌سازی، در گوشه‌ای از این حوزه گسترده کارگاه‌های بسیار کوچکی مشغول به کار هستند، که بخش نه‌چندان کوچکی از بدنه اصلی صنعت در و پنجره دوجداره یو.پی.وی.سی را تشکیل می‌دهند. این کارگاه‌ها عموماً بی‌خبر از آنچه که در سطح کلان این صنعت روی می‌دهد و حتی بی‌خبر از وجود تشکلهای صنفی مختلف، مشغول به کار هستند؛ با این حال، برغم دوری از فضای کلان این صنعت و فارغ از هر تبلیغ و برندسازی و بوق و شیپوری، به عنوان بازوی اجرایی و بخش جدایی‌ناپذیر

صنعت در و پنجره دوجداره یو.پی.وی.سی صنعتی نوظهور و جوان، اما روبه توسعه است. به همین جهت اتخاذ سیاست‌های خرد و کلان، نوسان ارز، رکود در بازار ساخت و ساز مسکن، مسکن مهر، تعرفه واردات کالا، سیاست‌های خرد بازاری و مردمی و بایدها و نبایدهای ریز و درشت دیگر، تأثیرات مثبت و منفی متفاوتی بر این نهال سر برآورده بر جای می‌گذارد. گذشته از شرکت‌ها و کارگاه‌های بزرگ و برندها و کلیه هیاهوهای صنعت در و



کرد. جایی که با اسپری مشکی رنگ نوشته شده بود «پنجره پی.وی.سی». وارد می‌شویم. گرچه سنگینی هوای محیط کمی آزاردهنده است، اما سه شریک که با پای یکدیگر کار می‌کنند به چشم می‌آیند. به‌سختی راضی به گفتگو می‌شوند. آنها سه دوست قدیمی هستند که از همان زمان ورود به این صنعت، در حال ورشکستگی بوده‌اند! یکی از آنها می‌گوید: «از حدود سه سال پیش بدون هیچ تخصصی وارد صنعت پنجره‌سازی شدیم و خیلی زود این حرفه را یاد گرفتیم. در ابتدا بازار این صنعت بازار بسیار مناسبی بود، اما اکنون دست در این صنعت زیاد شده و هرکس ماشین خود را فروخته و با پول آن پنجره تولید می‌کند». شریک دوم در پاسخ به این اظهار نظر ما که با توجه به مواد اولیه موجود در کارگاه و خط تولیدی که می‌بینم، ظاهراً از بازار خوبی برخوردار هستید، می‌گوید: «این روزها برعکس بازار کار، هر روز فقط پنجره‌ساز جدیدی در کشور پیدا می‌شود». شریک سوم نیز بر افت شدید بازار پنجره‌سازی تاکید داشت، اما از نظر او توضیح دلیل این شرایط برعهده کارشناسان است. او برای ما تعریف کرد که مدت ۱۲ سال با تاکسی کار می‌کرده، اما چندی پیش به پیشنهاد دوستان و پس از بررسی اجمالی بازار کار این صنعت، به مدد تسهیلات ناپنژ بانکی و فروش تاکسی خود و همت دوستان دیگر این کارگاه را برپا کرده است. او ادامه داد: «در ابتدا همه چیز خوب بود، سفارشات به حدی بود که برخی از آنها را به دلیل کمبود وقت رد می‌کردیم. اما حالا اوضاع افتضاح است.» در ضمن گفتگو، پدیده‌ای بسیار خارق‌العاده! نظرم‌ان را به خود جلب کرد: پنجره‌ای

در ضمن گفتگو، پدیده‌ای نظرم‌ان را به خود جلب کرد: پنجره‌ای که از پروفیل‌های مختلف ساخته شده بود! در این باره از آنها پرسیدیم، در پاسخ گفتند: «بازار بد کار ما را به جایی رسانده که برای سود بیشتر از ضایعات استفاده می‌کنیم».

«متأسفانه سود کار بسیار پایین آمده و این به دلیل افزایش بیش از حد پنجره‌سازها و رکود ساخت و ساز می‌باشد».

که از پروفیل‌های مختلف ساخته شده بود! در این باره از آنها پرسیدیم، در پاسخ گفتند: «بازار بد کار ما را به جایی رسانده که برای سود بیشتر از ضایعات استفاده می‌کنیم». نکته جالب توجه دیگر اینکه مالکان این کارگاه پنجره‌سازی بی‌خبر از وجود تشکلهای صنفی موجود، فقدان چنین تشکلهایی در حوزه فعالیت خود را مسبب این بازار نامطلوب می‌دانند.

وقتی از پله‌های این کارگاه زیرزمینی بالا رفتیم، هوای خیابان قلعه مرغی رو به تاریکی می‌رفت. پنجره‌سازان قلعه مرغی در حال بستن پنجره یک روز کاری خود بوده و ما در حال ترک خیابان قلعه مرغی بودیم. اما سوال‌های بسیاری ذهن ما را به خود مشغول کرده بود:

- چه کسی پاسخگوی زبان‌های ناشی از فعالیت افراد غیر ماهر در چنین مشاغل تخصصی است؟ زبان‌هایی که هم بر جامعه و هم بر خود چنین افرادی وارد می‌شود؟
- چه نهادی وظیفه آموزش و اطلاع‌رسانی به افرادی را دارد که می‌خواهند وارد چنین حرفه‌هایی شوند؟
- اصولاً مرکز یا مرجعی باید وجود داشته باشد که بر آغاز فعالیت و تداوم فعالیت در این حرفه نظارت کند؟
- به طور کلی کدام ارگان در قبال کارگاه‌های غیر استاندارد وظیفه نظارتی دارد؟
- قصور ناآگاهی چنین فعالانی از وجود تشکلهای بر عهده کیست؟

این صنعت به‌شمار می‌آیند. از همین‌رو گزارش پیش رو سعی دارد تا به نه‌توی این کارگاه‌ها رفته و ببیند در این کارگاه‌ها چه می‌گذرد؟ آیا فعالیت آنها در جهت پیشبرد صنعت قرار داشته یا بدان آسیب می‌زند؟ و نهایتاً با در اختیار گذاشتن تریبونی آزاد برای مدیران این کارگاه‌های کوچک، از ناگفته‌ها و ناشنیده‌های آنها سر درآورده و رسانه‌ای باشد برای شنیدن صدای این پنجره‌سازان!

خیابان قلعه مرغی کف بازار صنعت پنجره

پیدا کردن خیابان قلعه مرغی جایی که کارگاه‌های ریز و درشت پنجره‌سازی گرد هم آمده‌اند، کار چندان دشواری نبود؛ درست اواسط خیابان قزوین بعد از پل نواب و نرسیده به دوراهی قپان، تابلوی سفیدرنگ قلعه مرغی که به سمت چپ اشاره دارد به چشم می‌خورد. وارد قلعه مرغی که شوید، دو طرف خیابان همه نوع کارگاه در و پنجره را می‌بینید.

از ابتدای خیابان، یک به یک وارد کارگاه‌ها شدیم و به گفتگو پرداختیم. گرچه برخی از آنها، اول کار به هر دلیلی از مصاحبه پرهیز می‌کردند؛ اما به محض اینکه متقاعد می‌شدند از نشریه پنجره آمده‌ایم و قرار است مشکلات آنها را منعکس کنیم، زبان به سخن باز کرده و ناگفته‌ها و ناشنیده‌های این صنعت را به زبانی بی‌تکلف و ساده مطرح می‌کردند.

یکی از این استادکاران داود نام داشت، که در کارگاه کوچک خود، خط تولید آلومینیوم و یو.پی.وی.سی را در کنار هم جای داده بود. او با ابراز بی‌اطلاعی از وجود تشکلهای صنفی، عمده‌ترین مشکل خود را تامین مواد اولیه پنجره‌های دوجداره یو.پی.وی.سی و همچنین کمبود سرمایه برشمرده و اضافه کرد: «متأسفانه سود کار بسیار پایین آمده و این به دلیل افزایش بیش از حد پنجره‌سازها و رکود ساخت و ساز می‌باشد». وی در ادامه با اشاره به تاثیر کاهش قیمت پنجره، اظهار داشت: «همه این موارد باعث می‌شود تولیدکنندگان قیمت را کاهش دهند، و این روند نهایتاً بر کیفیت کالا تاثیر منفی می‌گذارد». وی که در تولیدات خود از سه نوع پروفیل استفاده می‌کند، عدم تفرقه مشخص و فقدان نظارت جامع و لازم را از جمله مشکلات مهم صنعت می‌داند.

سپس به سراغ پنجره‌ساز دیگری رفتیم که چند باب جلوتر واقع شده بود. دانیا که در کارگاهی به تولید پنجره‌های دوجداره یو.پی.وی.سی مشغول است، در آشفته بازار این صنعت نقش نشریه پنجره ایرانیان را بسیار تاثیرگذار دانست و اضافه کرد: «شما می‌توانید صدای چنین کارگاه‌هایی باشید و آن را به گوش مسئولان و مدیران ذیربط برسانید و درصد رفع موانع موجود برآیید».

همچنین بهادر، استاد در و پنجره‌سازی که در کارگاه ۴۰ متری خود هم پنجره دوجداره آلومینیومی — ترمال برک — و هم یو.پی.وی.سی تولید می‌کند، ضمن ابراز بی‌اطلاعی از وجود استانداردهای پنجره‌های یو.پی.وی.سی با تعجب به ما گفت: «مگر پنجره‌سازی، استاندارد هم دارد». وی که کمتر از دو سال است وارد صنعت در و پنجره شده، با اشاره به پنجره‌های تولید خود، آنها را از جمله بهترین پنجره‌های کشور می‌داند. وی با ابراز تأسف از عدم ساخت و ساز در کشور عنوان کرد: «از ۴ ماه پیش تا کنون هیچ پروژه و سفارشی نداشته‌ایم و چشممان نیز آب نمی‌خورد که در آینده اتفاق تازه‌ای بیافتد». این مدیر کارگاه در و پنجره که از ماهیت نشریه پنجره اطلاع درستی نداشت، از معدود نسخه‌های نشریه پنجره ایرانیان که روی میزش به چشم می‌خورد، به عنوان کاتالوگ تبلیغاتی یاد می‌کرد! این پنجره‌ساز ضمن اظهار بی‌اطلاعی کامل از وجود مراکز ذیصلاح در این صنعت، شخص رییس جمهور را مسئول رسیدگی به این مشکلات می‌دانست. وی در همین خصوص می‌گوید: «چطور رییس جمهور به شهرهای مختلف سفر می‌کند، مشکلات مردم آن شهرها را بررسی می‌کند، ولی ما پنجره‌سازها را کلاً رها کرده است!» به‌طور کلی این تولیدکننده پنجره، تنها مرجع رسیدگی به معضلات موجود را مقام اول اجرایی کشور می‌دانست.

در ادامه، کارگاهی در زیرزمین یک فروشگاه صنایع چوب، نظرم‌ان را جلب

